

تأثیر استرس و اضطراب والدین بر کودکان

در بسیاری موارد، تنش‌های والدین بخصوص در حضور کودکان، موجب بالا رفتن اضطراب، احساس ناامنی و نداشتن آرامش در کودکان می‌شود. بیشتر کودکانی که در معرض اختلافات والدین و خشونت‌های خانگی هستند، احساس گوش به زنگی ناشی از نگرانی شدید دارند و هر لحظه منتظر اتفاق بد، زد و خورد والدین و تنش‌های شدید بین آنها هستند.

از طرف دیگر، کودکان اعتمادشان را به والدینی که رفتار پرخاشگرانه دارند و منبع خشونت هستند، از دست می‌دهند و در جامعه نیز با مشکل اعتماد کردن به افراد جامعه مواجه می‌شوند.

در بعضی از سیستم‌های خانواده دیده می‌شود والدین بخصوص مادران برای افزایش قدرت خود، کودکانشان را یارکشی می‌کنند.

این والدین در مقابل کودکان از همسرشان بدگویی می‌کنند تا احساس ترحم، دلسوزی و همدلی فرزندان را جلب کنند که در اصطلاح روانشناختی به آن یارکشی می‌گویند.

این یارکشی، اثرات مخربی بر عواطف، احساسات و شرایط روانشناختی کودکان باقی می‌گذارد، زیرا کودک خودش را در شرایطی می‌بیند که باید بین والدین، یکی را انتخاب کند.

این کودک وقتی با مادر همراه می‌شود، ممکن است مورد خشونت، بی‌مهری و بی‌توجهی پدر قرار گیرد. در مواردی هم کودک برای آن که حس همدلی و توجه مادر را بیشتر جلب کند، به عمد نزد مادر درباره پدر بدگویی می‌کند.

معمولاً این بچه‌ها در سنینی که باید کودک‌کی کنند، این سنین را از دست می‌دهند. این فرزند نه تنها کودک‌کی خود را فراموش می‌کند، بلکه نقش فرزند والدگونه نیز پیدا می‌کند.

این فرزند گاهی پدر یا مادر والدینش می‌شود. این مسائل، فشارهای مضاعفی بر کودکان وارد می‌کند که عواقب روان‌شناختی بدی در زندگی این افراد به جا می‌گذارد.

عواقب اولیه می تواند افزایش سطح اضطراب کودکان باشد، ولی اگر کودک به مدت طولانی در خانواده پرتنش زندگی کند در آینده ممکن است به افسردگی مبتلا شود.

عوارض دیگری مانند شب ادراری، مشکلات رفتاری و اختلالات عاداتی هم در این فرزندان دیده می شود.

آینده این فرزندان تحت تاثیر مشکلات والدین خواهد بود. کودکانی که در جوی پرخاشگرانه بزرگ شده اند، بعد از تشکیل خانواده در برقراری ارتباط با همسرشان نمی توانند نقش متعادلی داشته باشند.

این افراد بسته به این که نسبت به والدین خود چه احساسی دارند، یا شبیه والدین خود می شوند و رفتارهای پرخاشگرانه آنها را ادامه می دهند، یا برعکس جزو افرادی طرفدار تئوری آرامش به هر قیمتی می شوند.

به عبارتی دیگر یا مانند پدر و مادر خود نقش ظالم را بازی می کنند یا نقش مظلوم را. افراد وقتی در موقعیت مظلوم واقع می شوند هر اتفاقی برایشان بیفتد، هر تنش و مشکلی داشته باشند، بدون قدرت اعتراض، تحمل می کنند تا جو خانه را به هر قیمتی آرام نگه دارند بنابراین چنین افرادی ممکن است در زندگی آینده خانوادگی خود نتوانند نقشی بالنده، رو به رشد و متعالی داشته باشند.

منبع <http://www.fereshtehaaa.blogfa.com/cat-۵.aspx>